رئیس اتاق ایران در سمینار تبریز: باید تولید کالا و خدمات با هدف صادرات انجام شود

ساختار اقتصادی و اداری باید براساس محوریت‏ صادرات تحول یابد

در حال حاضر بنادر کشور بصورت دروازه‏ای‏ یکطرفه-به داخل کشور-درآمده است

وسائل حمل و نقل با اینکه برای آوردن کالاهای‏ وارداتی خالی حرکت می‏کنند برای صادرات‏ بالاترین نرخ را می‏طلبند

سیستم مالیاتی چنان پیچیده عمل می‏کند که‏ صادرکننده را از تحرک باز می‏دارد

به برنامه صادراتی بلند مدت نیاز داریم

سمینار تدوین برنامه بلندمدت‏ صادراتی در روزهای 22 و 23 مردادماه‏ با همکاری استانداری آذربایجان شرقی‏ و اتاق بازرگانی تبریز برگزار شد.در این‏ سمینار آقای مهندس خاموشی رئیس‏ اتاق ایران سخنرانی جامعی‏ در مورد برنامه توسعه صادرات غیرنفتی‏ ایران ایراد کردند.متن نطق رئیس اتاق‏ ایران به شرح زیر میباشد:

تشکیل سمینار تدوین برنامه بلندمدت‏ صادرات غیرنفتی را که مشترکا از سوی‏ استانداری آذربایجان شرقی و اتاق‏ بازرگانی و صنایع و معادن تبریز دائر شده‏ است تبریک می‏گویم.

دعوت برادر گرامی جناب آقای‏ عبد العلی‏زاده استاندار محترم آذربایجان‏ شرقی از اینجانب برای سخنرانی‏ در سمینار حاضر،موجب کمال‏ سیاسگزاری است.

سمینار تدوین نظام صادراتی بلند مدت کشور که سال گذشته در شهر تاریخی تبریز برگزار شد،تأثیر مطلوبی‏ در ارگانهای اجرائی کشور بر جای گذاشت‏ تا آنجا که پاره‏ای از نارسائیها که در کار صادرات وجود داشت در سال جاری تا حدی اصلاح شد و امیدواریم با اصلاح‏ نارسائیهای دیگری که هنوز وجود دارد، بتوانیم بار دشوار توسعهء صادرات غیرنفتی‏ کشور را به منزل برسانیم.

در سمینار سال گذشته سخن از تدوین‏ نظام صادراتی بلندمدت کشور بود که نفت‏ و کالاهای غیرنفتی را شامل می‏شد. امسال ما در برابر مسأله بکلی تازه‏ای قرار گرفته‏ایم و آن یافتن راههای عملی برای‏ حذف نفت از صادرات و گسترش صادرات‏ غیرنفتی است تا آنجا که بتواند درآمد حاصل از نفت را جبران کند و از آن فراتر رود.سمینار با اعلام نظر دولت مبنی بر تهیه برنامه توسعهء اقتصادی 25 ساله‏ کشور برمبنای ارزشهای اسلامی همزمان‏ شده و طبعا یک فرصت طلائی برای‏ بحث و گفتگوی عمیق‏تر و دقیق‏تر در زمینه صادرات غیرنفتی فراهم ساخته‏ است.

در کنفرانس اردیبهشت‏ماه شیراز استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی‏ موضوع اصلی بحث را تشکیل می‏داد. سمینار حاضر،براساس برنامهء تهیه شده، باید انشا الله تعالی راههای عملی تحقق‏ این امر را بیابد و به دولت و دستگاههای‏ اجرائی پیشنهاد کند و بخش خصوصی نیز خود پیشقدم و پیشتاز بعهده گرفتن‏ مسئولیتهای سنگین در این زمینه گردد.

هنوز صحبتهای جناب آقای عبد العلی‏ زاده،استاندار محترم آذربایجان شرقی را در کنفرانس سال قبل که در همین سالن‏ برگذار شد،بیاد داریم.ایشان عنوان‏ نمودند یکی از نکات مثبت قطعنامه‏ کنفرانس مذکور این بود که همه چیز از دولت خواسته نشده و بخش خصوصی هم‏ آنچه را باید انجام دهد بعهده گرفته است. حقیقت این است که از یکطرف‏ برنامه‏های اقتصادی کلان-که صادرات و واردات نیز جزو آنهاست-مربوط به همهء کشور و همهء مردم است و هر شهروندی‏ باید در قبال آنها احساس مسئولیت کند و فقط از دولت انتظار داشتن،مشکلی را حل‏ نمی‏کند.

از سوی دیگر میدانیم،فرمانی که مقام‏ معظم رهبری در پیام نوروزی امسال خود صادر فرمودند برای یکایک افراد ملت‏ وظیفهء خاصی تعیین می‏کند.هر کس باید با کار بهتر-بازدهء بیشتر،تولید مرغوبتر، کاستن از ضایعات،پائین آوردن هزینه‏ تولید،صرفه‏جوئی در مصرف،دوری‏ گزیدن از تشریفات زائد و امور دیگری‏ از این قبیل،کشور را در مسیر صادرات قرار دهد و این امکان را توسعه دهد که از سرمایه‏گذاریهای انبوهی که طی سالهای‏ برنامه اول و دوم بعمل آمده در راه توسعه‏ صادرات استفادهء عملی بشود.

اینجانب در کنفرانس شیراز-در تبیین‏ نظر مقام رهبری دربارهء توسعه صادرات‏ غیرنفتی و نفت‏زدائی از صادرات-سه اصل ارائه دادم.

از آنجا که اعتقاد دارم که مشکل اساسی‏ صادرات در این سه اصل نهفته است اجازه‏ میخواهم بیشتر درباره آن عرایضی داشته‏ باشم.امیدوارم اگر پاره‏ای از مطالب من‏ تکرار مطالب عنوان شده در کنفرانس‏ شیراز است بر من خرده نگیرند.اگر بیاد داشته باشید در آنجا من تأکید کردم:آنقدر باید مسائل مربوط به توسعهء صادرات‏ غیرنفتی عنوان شود که بصورت یک باور و ارزش ملی درآید.

من معتقدم تا این سه اصل:یعنی ایجاد یک باور ملی-تبدیل آن به عزم ملی و برنامه‏ریزی اقتصادی کشور برمبنای‏ محوریت صادرات تحقق پیدا نکند، برنامهء توسعهء صادرات غیرنفتی و حذف‏ نفت از اقلام صادراتی نهادینه نمی‏شود.

هر یک از این سه اصل زمینه‏ساز اصول‏ دیگر است و پایه‏های استواری است که‏ کشورهای‏"صادرات بنیاد"از جمله‏ کشورهائی که امروز بنام ببرهای آسیا معروف شده‏اند.اقتصادشان برمبنای‏ اصول مذکور بنا شده و توسعه یافته است. امیدوارم باز هم به ما ایراد نگیرند که‏ بیش از حد بر اقتصاد کشورهای جنوب‏ شرقی آسیا تکیه می‏کنیم.لازم است‏ خاطرنشان کنم که تجربیات دیگران‏ ثروت رایگانی است که در اختیار ما قرار می‏گیرد.ما باید بدون آنکه دچار خودباختگی شویم یا ارزشهای اسلامی و ملی‏مان را فدا کنیم،از تجربیات ناموفق‏ دیگران درس عبرت بگیریم و تجربیات‏ موفق آنها را در قالب ارزشهای جامعهء اسلامی خود بکار گیریم.عرصهء علم و تجربه،عرصه غرور یا سرشکستگی‏ نیست.

با این توضیح باید بعرض برسانم: در مورد اصل اول که ایجاد یک باور ملی‏ برای تحقق امر توسعه صادرات غیرنفتی‏ است،این کشورها اولین پایه تحرکی که‏ ایجاد نمودند این اصل مسلم بود که‏ شکوفائی اقتصادی کشور در گرو صادرات‏ آنهاست و برای داشتن اقتصادی پیشرو، چاره‏ای غیر از تولید و صد ور برای بدست‏ آوردن ارز ندارند.

خوشبختانه در کشور ما،رهبر عظیم الشأن انقلاب با پیام مبسوط خود در طلیعه سال 75 خط کلی را برای ایجاد این‏ باور ملی ترسیم فرمودند.از همین جهت، وسائل ارتباط جمعی و تریبونهای نماز جمعه و ائمه جماعات در سراسر کشور باید این وظیفه را احساس نمایند که با توجیه‏ ملت،در اقشار مختلف این باور را ایجاد نمایند که وظیفهء ملی و میهنی و مذهبی‏ ما ایجاب می‏نماید که در راه اعتلای‏ جامعه اسلامی‏مان از هیچ کوشش‏ فروگذار نکنیم.این امر در هدف‏گیری‏ صحیح در اقتصاد کلان خلاصه‏ می‏شود.همه باید تلاش کنیم که تولید کالا و خدمات با هدف صادرات ایجاد شود. تبلیغات در این زمینه باید بطوری در نهادینه کردن این باور حرکت نماید که‏ همه یک صدا و هماهنگ این آوازه را در سراسر کشور ساز نمایند.تا جائیکه این‏ باور ملی چنان فشار اجتماعی ایجاد کند که صادرات بعنوان یکی از والاترین‏ ارزشهای اجتماعی و اقتصادی کشور در آید.بنحوی که در مقابله با نوسانها و کسری‏ها و کمبودهای اقتصادی‏ ناخودآگاه،یا خودآگاه،اذهان بطرف حمله‏ به صادرات غیرنفتی متوجه نگردد بلکه‏ همه بدانند و باور کنند که حتی در سخت‏ترین شرائط کمبود،حمایت واقعی‏ از صادرات است که برای رفع کمبود بطور واقعی به میدان خواهد آمد و این اخلاق‏ مذموم که در گوشه و کنار کشور،یا بصورت‏ گفت‏وشنود یا حرکت ناموزون در مقابل‏ ازدیاد یا تنوع صادرات شنیده می‏شود، جای خود را به حمایت و خوشروئی و پذیرش ملی بسپارد.

اصل دوم:ایجاد یک عزم ملی است به‏ نحوی که هرکس،در هر مقام،برای‏ توسعهء برنامه‏ریزی شده انجام دهد و هدف‏ را به پیش ببرد.

هر چه اصل نخست بیشتر نهادینه‏ گردد،ایجاد عزم ملی سریعتر تحقق‏ می‏یابد.این عزم باید در سطوح مختلف‏ زنجیرهء اقتصاد کشور از هیأت محترم‏ دولت،مجلس شورای اسلامی تا بنگاههای اقتصاد نفوذ کرده و افکار و نقطه‏نظرها را بطور طبیعی بسوی یک‏ عزم ملی برای تحقق این هدف مقدس، رهنمون کند.آن هنگام است که در برنامه‏های بلندمدت 5 ساله و 25 ساله و در بودجه‏های سالانه و سیاستگذاریها، هم سازمان برنامه و بودجه،هم‏ وزارتخانه‏های مختلف اقتصادی و هم‏ مجلس شورای اسلامی عزم خود را بر این‏ خواهند داشت که فقط از زاویهء صادرات به‏ مسائل خاص عنایت فرمایند.باور خواهند کرد که در حمایت از صادرات است‏ که اقتصاد داخلی رو به شکوفائی اساسی‏ خواهد نهاد.

اصل سوم:محور قرار دادن صادرات در سیاستگذاریهای اقتصادی بطور اعم‏ است.اگر دو اصل اول و دوم خوب در جامعه و اذهان جایگزین گردد و نسبت به‏ آنها اعتقاد بوجود آید:اثر حتمی و تفکیک‏ ناپذیر آن چنین خواهد بود که صادرات‏ غیرنفتی محور کلیه سیاستگذاریها قرار گیرد و سیاستهای دیگر برمبنای این‏ محور تنظیم شود.

اجازه دهید کمی بیشتر دربارهء این‏ مطلب صحبت کنیم:در حال حاضر که‏ صادرات محور اساسی در سیاستگذاریها نیست،مشاهده می‏کنیم فرضا اگر جامعه‏ با کمبود کالائی روبروست قبل از اتخاذ هر تصمیمی برای جبران کمبود،اقدام به‏ جلوگیری از صادرات آن محصول‏ می‏نمایند.یا اگر قیمت کالائی در داخل‏ رو به افزایش شدید گذارد،قبل از هر اقدامی،به صادرات حمله می‏کنند و تنگنائی برای صد ور فراهم می‏نمایند.یا اگر کشور با کمبود ارز و نوسانات قیمت آن‏ روبرو شود،قبل از هر اندیشه‏ای،حملات‏ به ارزهای صادراتی آغاز می‏شود.حتی در سیاستهای خارجی،اگر تنشی در رابطه با کشوری ایجاد شود،مقدم بر هر چیز تصمیم به محدود کردن یا توقف ورود به‏ آن بازار را پیشنهاد می‏کنند.

این نکات و بسیاری از مسائل مشابه، دقیقا این حقیقت را در مقابل ما آشکار می‏سازد که سیاست صادرات متغیری‏ است از موضوعهای ثابت بسیار در اقتصاد.تصدیق مینمائید که چنین‏ متغیری هیچگاه و در هیچ زمانی طبیعتا نمی‏تواند خود را با انواع و اقسام‏ سیاستهای مختلف همساز سازد.در حالیکه-باز هم بعنوان مثال-کشورهای‏ جنوب شرقی آسیا بارزترین شاخص را چنین ترسیم می‏کند که محور اصلی‏ تمام تصمیمات اقتصادی،اجتماعی و سیاسی آنان توسعهء صادرات آنها خواهد بود.به همین جهت نیز به کشورهای‏ "صادرات بنیاد"( Export Criented ) معروف شده‏اند.یعنی صادرات برای آنها نقش بنیادی و اساسی دارد و از طریق‏ توسعه صادرات به توسعهء اقتصادی دست‏ یافته‏اند.

حال اگر این اصول مورد قبول قرار گرفت،مشاهده خواهیم کرد که در ساختار اقتصادی کشور کلیه سیاستها بر محور صادرات تنظیم خواهد شد.سیاستهای‏ صنعتی و سرمایه‏گذاریهای جدید اولویت‏ خود را به توان صادراتی طرحها خواهد داد.

سیاستهای کشاورزی برمبنای‏ صادرات فراورده‏ها و صنایع تکمیلی‏ صادراتی تنظیم خواهد شد.سیاستهای‏ خدماتی با صد ور خدمات بسیج خواهد گردید.سیاست خدمات بازرگانی از قبیل‏ خدمات بانکی،بیمه،گمرکات،بنادر، حمل و نقل،کلا امکانات خود را در جهت‏ گسترش صادرات بسیج خواهند نمود.

تصدیق می‏کنید که در حال حاضر ساختار نظام اقتصادی ما و خدمات‏ بازرگانی ما برمبنای واردات بنا شده است. فرضا بیش از 99 درصد از کادر خدماتی سیستم بانکی در اختیار واردات و کمتر از یک درصد-آنهم بصورت ناقص-در خدمت صادرات است.بنادر ما و گمرکات‏ ما گوئی یکطرفه شده‏اند و دروازه‏ای به‏ سوی داخلند و خدمات آنان تقریبا به کلی‏ در واردات است و آنچه به اکراه در خدمت‏ صادرات قرار می‏دهند،نارسا و بی‏تحرک‏ است.بیمه،تا آنجا که فعالیت خود را تنظیم نموده،کلا در خدمت واردات است. حتی ما مجبوریم واردات خود را بصورت‏ CF وارد کنیم و اجبارا آنرا در داخل بیمه‏ نمائیم.اما به صادرات که می‏رسیم، هزار گونه وسیله برانگیخته می‏شود تا صادرکننده از بیمه کردن کالای خود منصرف شود.

حمل و نقل ما هم چیزی شبیه مسائل‏ فوق است.با وجودی که برای آوردن کالا از خارج وسائط نقلیه آبی و خشکی‏ ناچارند خالی به خارج سفر کنند،اما در مقال حمل کالاهای صادراتی بالاترین‏ کرایه حمل را طلب می‏نمایند.از سیستم‏ هواپیمائی و کشتیرانی می‏گذرم،زیرا علیرغم پیشرفتهائی که داشته‏اند، هیچکدام تا بحال نتوانسته‏اند خود را طوی تنظیم نمایند که بتوان ادعا نمود در خدمت صادراتند.

نیروی انتظامی که می‏بایستی با توجه‏ به قوانین موجود،با کنترل راهها و مرزهای‏ کشور از صد ور کالاهای قاچاق جلوگیری‏ نماید،متأسفانه مشاهده می‏کنیم که در این امر خطیر موفقیت لازم را نداشته‏ است.صادرات ما از طریق قاچاق کالای‏ خودمان با رقابت شدید در خارج از کشور مواجه است.

سیستم مالیاتی-با وجود آنکه طبق‏ قانون امتیاز خاصی به معافیت مالیاتی در رابطه با صادرات داده شده-لیکن به‏ اندازه‏ای پیچیده عمل می‏کند که صادر کننده را از هرگونه تحرک لازم باز می‏دارد. سیستم تبلیغاتی خارج از کشور در کلیه‏ سفارتخانه‏ها و نمایندگیهای سیاسی‏ می‏باید مانند کلیه کشورهای دارای‏ اقتصاد پویا،در خدمت صادرات کشور باشد و بازاریابی دقیق برای کالاهای‏ قابل صد ور کشور بنماید و صادرکننده را حمایت کند.

اینها جزئی از مسائل است که اگر صادرات در سیاستگذاریها بعنوان محور اصلی تلقی شود،چهرهء سازمانها و عملکرد آنان را در رابطه با صادرات دقیقا دگرگون خواهد کرد.

در خاتمه برای اینکه جنبه اجرائی‏ مسأله را فراموش نکرده باشم،پیشنهاد میکنم کمیته‏های کارشناسی مرکب از دست‏اندرکاران یکایک اقلام عمدهء صادراتی تشکیل شود و در قالب‏ برنامه‏های پنجساله و بیست و پنجساله‏ نظرات خود را تنظیم کنند تا از طریق اتاق‏ ایران به مراجع تصمیم گیرنده ارسال شود. در این کمیته‏ها الزاما کسانیکه عملا به‏ کار صادرات مشغول هستند باید نقش‏ مؤثری داشته باشند تا انشا الله تعالی امر صادرات از برنامه‏ریزیهای روزانه خارج‏ شده در قالب برنامه‏های بلندمدت شکل‏ بگیرد.از هم اکنون با اطمینان می‏گویم اگر چنین شود،نهضت اسلامی در کار صادرات‏ ایجاد خواهد شد.این نهضت طبعا از تحول بنیانی در نظام تولید بر کنار نخواهد بود.همچنین اشتغال و توزیع عادلانه‏تر درآمد و گسترش عدالت اجتماعی را با خود به ارمغان خواهد آورد و ما را به رشد اقتصادی در چارچوب حفظ ارزشهای‏ والای اسلامی نزدیک می‏کند.با آرزوی‏ مجدد برای موفقیت این سمینار.

متشکرم

با صد ور اولین محموله 12600 تنی: ایران در شمار صادرکنندگان سیمان به مالزی‏ درآمد

برای توسعه همکاریهای اقتصادی‏ با کشورهای جهان سوم چشم‏اندازی‏ امیدوارکننده‏تر از زمینه‏های همکاری‏ با کشورهای سریع الرشد آسیائی نیست‏ در دهه گذشته ببرهای آسیائی در منطقه‏ استوائی جنوب شرقی آسیا شاهد رشد سریع اقتصادی با نرخی حدود ده‏ درصد بوده‏اند.این رشد در زمینه‏های‏ صنعتی،ساختمانی و صادرات‏ چشم‏گیرتر بوده است.مثلا در مالزی به‏ ترتیب در زمینه‏های فوق 14،18،24 درصد بوده است.یعنی در حقیقت صادرات‏ موتور رشد ماشینی است که فعالیت‏های‏ ساختمانی و صنعتی را سریع‏تر از رشد عمومی اقتصادی بدنبال‏ خود می‏کشد.امکانات،بالقوه متکاملی‏ COMPLEMENTANITY بین این‏ اقتصادها و اقتصاد کشور ما وجود دارد که‏ باید موارد آنرا پیدا نمود و به منصه‏ بروز رسانید

یکی از این زمینه‏ها مواد ساختمانی مثل‏ فولاد و سیمان است که بعلت رشد سریع‏ ساختمان‏سازی(سریع‏تر از رشد عمومی‏ اقتصاد)لاجرم در این کشورها تنگنا ایجاد می‏کند.

خوشبختانه کشور ما به لحاظ غنای‏ مواد اولیه بویژه در تهیه سیمان(ارزانی‏ آهک و انرژی)و هزینه نسبی پائین‏ استخراج مواد(چون آهک و خاک رس و گچ‏ از زمین‏ها و تپه‏هائی استخراج می‏شوند که‏ عموما بار بوده و کاربری اقتصادی ویژه‏ای‏ اندازند)می‏تواند تامین‏کننده خوب این‏ مواد برای کشورهای آسیائی باشد.چنانچه‏ بتوان مشکل حمل و نقل این محصولات‏ را فراهم کرد و با انبوه کاری هزینه را پائین‏ آورد،این مزیت آشکارتر و عملی‏ تر می‏شود.

اخیرا با توجه به سیاست‏های صادراتی‏ دولت و ایجاد واحدهای متعدد و تولید سیمان امکانات صادرات این‏ محصول فراهم آمده است بویژه آنکه‏ تعدد ساخت این واحدها صنعت‏کاران‏ داخلی را به توان تولید بخش‏های‏ عمده‏ای از صنعت سیمان نیز رسانده است.